

حیدر خان عم اوغلو چه کسی بود

حرکات حیدر خان عم اوغلو

حیدر خان عم اوغلو در تاریخ 1880/12/20 در شهر ارومیه از مادر متولد شد. پدرش حکیم (دارو فروش) علی اکبر افشار بود. رتبه خانی را، خود مردم به او داده بودند. پدر حیدر مجبور گردید تا به «قمری» کوچ نماید. او تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را در ایروان به پایان رساند و به دانشگاه پلی تکنیک تفلیس وارد شد و در سال 1898 در حالی که دانشجوی این دانشگاه بود در صفوف حزب سوسیال دمکرات وارد شد و مدتی هم در باکو بعنوان مهندس برق کار کرد. او به زبان های فارسی، روسی، گرجی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی وارد بود. عم اوغلو در سال 1901 تحصیلات عالی خود را به پایان رساند و روانه اروپا شد در سال 1904 به تهران آمد و بعد از مدتی در انجا حزب دمکرات را تشکیل داد. بعدها هم وارد حرکان انجمن به رهبر ستارخان شد. او بعد از فرمان مظفر الدین شاه مبنی بر تشکیل مجلس، در گروه های مسلح به صورت فعالی حضور یافت. بعد از مرگ مظفر الدین شاه، محمد علی شاه بجایش نشست. او بعد از استقرار نقشه ی نابودی انقلابیون رادر سر می پروراند کمیته انقلاب تهران برای اینکه درس لازم را به محمد علی شاه و پشتیبان های او، امپریالیست انگلیسوروس بدهند، برای راه اندازی حوادث ترور کمیته مجازات را بوجود آورد و حیدر خان عم اوغلو هم رهبر این کمیته گردید. در سال 1907 اتابک اعظم، نخست وزیر شاه بوسیله یک آزادیخواه تبریزی به نام عباس آقا به قتل رسید عباس بهد از این عمل اقدام به خود کشی کرد

احمد شاه که بعد از محمد علی شاه به سلطنت رسید بوسیله یک روس به نام سمیرنوو تربیت شده بود و بعلت عدم کاردانی او زمام کشور در دست پنهانی عده ای قرار گرفت. حیدر خان عم اوغلو که در حرکات ستارخان و باقرخان در سنگر های زیادی جنگیده بود به همراه آنان در سال 1909 به تهران رفته بود. بعد از حوادثی که برای آنان پیش آمد، عم اوغلو به فعالیت زیر زمینی روی آورد و به 6 زبان مسلط بود و در جنگ های پارتیزانی بی همتا بود زمانی که محمد امین زسول زاده توسط رژیم تازی تحت تعقیب بود با همکاری یکدیگر به انتشار نشریه ای به نام «ایران نو» شروع کردند. بر اساس حرکات و اصول انجمن، حزب دمکرات نیز فعالیت های خود را تداوم بخشید و عم اوغلو هم با آنها تماس گرفته بود. انگلیسی ها و روسها از وجود او ناراحت بودند و عم اوغلو ناگزیر گردید تا به پاریس برود و بعد از گذشت مدتی او به کشور باز گشته و در گیلان پرچم عصیان را بر افراشته و با انقلابیون تماس گرفت در این زمان طوایف قاشقایی، بهار لو و سنجاقلو در غرب مبارزه مسلحانه ای علیه انگلیس بر راه انداخته بودند و این امر خواسته قلبی عم اوغلو بود. در گیلان تشکیلاتی به نام (منجیل) به وجود آمده بود و در مقابل اشغالگران انگلیسی و روس در میادین جنگ روبرو میشدند در راس حرکات منجیل (میرزا کوچک خان) قرار داشت. در جنگ های پارتیزانی به میرزا کوچک خان، افرادی چون: احمد کسمایی، رسول گنجه ای، خالو قربان و برادرش رحمان هم یاری میکردند.

حیدر عم اوغلو، احسان الله و میرزا کوچک خان را آشتی داد در تاریخ ششم ماه مارس 1921 در قصبه فومن اجلاسی فراهم آمد و در آن احسان الله خان (کمیته ملی نجات) را لغو کرده و از نو یک (کمیته انقلاب) برپا کردند که در این کمیته، کوچک خان رئیس، احسان الله خان و میرزا محمدی، حیدر خان، خالو قربان و سرخوش بعنوان اعضای آن انتخاب شدند. زمانی هم که ارتش سرخ، گیلان را اشغال کرده بود و کمونیست های ایران در این کار آنها را یاری می کردند. این گونه اعمال سبب شده بود، کار گرد اوری مردم برای حیدر خان- که صاحب افکار سوسیال دمکراسی بود - دشوار گردد. قدم های مثبتی که توسط او برای ترقی گیلان برداشته می شد به مذاق کمونیست ها خوش نمی آمد و آنها به رهبری احسان الله از عم اوغلو فاصله گرفتند در همین ایام انگلیسی ها رضا خان (پهلوی) را وارد صحنه کرده بودند. در اوایل نوامبر سال 1920 مشیر الدوله نخست وزیر در نتیجه فشار انگلیس مجبور به استعفا شد و آنها یک ملکدار مسن گیلانی بنام سپهدار اعظم را دوباره بعنوان نخست وزیر تعیین کردند. انگلیسی ها که قبلاً شایعه اشغال شهر تهران توسط قسمت هایی از ارتش روس را که در گیلان بودند منتشر کرده بودند (و در حقیقت ایران توسط تشکیلات مخفی انگلیس اداره می شد) و با انتشار این گونه شایعات، رضا خان هجوم احسان الله خان به تهران را از طریق جبهه قزوین را- که خود سرانه صورت گرفته بود - نا کام گذاشت و قزاقان روس را که به استعداد 2500 نفر بودند به تهران آورده و حکومت تهران را تغییر داد رضا خان که به عنوان یک قزاق ساده وارد دسته و هنگ قزاقان روس که فرمانده آنها «لیبا خو» بود شده بود و با کمک و حمایت انگلیسی ها، با اینکه مکتب جنگ را ندیده بود صاحب درجاتی شد. او از نو با کمک انگلیسی ها به اقدامات جنگی دست یازید و در کابینه سید ضیا الدین طباطبائی که تازه بوجود آمده بود (وزیر جنگ) شد و بعد

از این بود که دیکتاتوری رضا خان شروع به پیشرفت نمود .

رضا خان زمانی که وزیر جنگ بود قزاق روس را به گیلان و به سوی حیدر خان عم او غلو گسیل داشت . او جاسوسانش را بکار گرفت و همراهان عم او غلو را علیه اش شوراند و میرزا کوچک خان را به سوی خود کشاند و به واسطه او برای عم او غلو تله گذاشت

میرزا کوچک خان به دوستانش پیغام فرستاد و آنها را جهت برگزاری جلسه کمیته انقلاب دعوت کرد ، تمامی اعضای کمیته رای به جنگیدن دادند حیدر خان هم مانند دیگر اعضا به جنگ آمده و در محلی که قبلاً گردهمایی در آنجا صورت می گرفت داخل شد و در انتظار کوچک خان نشست لکن بعد از مدتی عمارت به زیر آتش گرفته شد و سر خوش نتوانست از بنا خارج شود و زنده زنده در آتش سوخت . عم او غلو ، خالو قربان و خالو کریم از پنجره خود را به بیرون انداختند و بسوی بیشه زار رفتند در جنگل ، عم او غلو یاران خود را گم کرد و توانست با سختی زیاد و با اینکه زخمی بود خود را به پل قصبه پسیخان در نزدیکی رشت برساند در آنجا توسط افراد میرزا کوچک خان دستگیر شد و بعد از مدتی در زندان ماند ، بوسیله فرد خائنی بنام معین الرعا زیر شکنجه جان سپرد رضا خان در مقابل کشتن عم او غلو به کوچک خان وعده استاندار ی گیلان را داده بود در نهایت این آخرین خیانت میرزا کوچک بود خالو قربان به قصد گرفتن انتقام خون دوست نزدیکش « سر خوش» به رضا خان به واسطه افرادش پیغام فرستاد و مراتب خدمت گذاری خود را به رضا خان اعلام نمود میرزا کوچک خان نیز مراتب خدمت گذاری خود را به او اعلام نموده بود ؛ نتیجتاً رضا خان این ارزوی او را ندیده گرفت و رضا خان در 21 ماه اکتبر سال 1921 برای خالو قربان به نام احمد شاه قاجار درجه «سرهنگی» (پولکونیک) را صادر کرد و او را به جنگ میرزا کوچک خان جنگلی فرستاد او هم بسوی افراد چته میرزا کوچک خان که در رشت و انزلی بودند ، حرکت کرد و آنها را خلع سلاح کرد و به انهایی که مقاومت می کردند رحم نکرد

کوچک خان بسوی کوه های تالش فرار کرد جسد یخ زده او را در کوهها پیدا کردند و سرش را بریده به تهران فرستادند . بعدها خالو قربان هم درحالی که علیه يك طایفه عصیانگر می جنگید به وسیله جاسوسان رضا خان با گلوله ای که برگردنش زدند هلاک گردید

بدین ترتیب در آسمان آذربایجان ستاره ای که نام عم او غلو متولد شده بود بوسیله برادران خود با دسیسه و خیانت از بین رفت

و خائنین هم به سزای اعمال خود رسیدند و لی مکافات و زیان آن به آذربایجان رسید .

<http://www.kitablar.com>

<http://www.kitablar.org/>